



آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان

(دانشگاه اجتماعی برای افزایش مهارت‌های ارتباطی،
اجتماعی و خودمراقبتی کودکان)

تأليف:

جان لینگ

مترجمان:

دکتر الهام حکیمی راد
استادیار دانشگاه شهید بهشتی

فرحناز قربانزاده کیوانی

۱۳۹۴

سر شناسه	لینگ، جان، John ling.
عنوان و پدیدآور	آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان (داستان‌های اجتماعی برای افزایش مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی و خودمراقبتی کودکان) / نویسنده: جان لینگ.
مشخصات نشر	نور علم، ۱۳۹۴.
مشخصات ظاهری	۱۰۸ص.
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۱۹۱-۱
وضعیت فهرست‌نویسی	بر اساس اطلاعات فیپا (فهرست‌نویسی پیش از انتشار).
یادداشت	لینگ، جان، John ling. نویسنده.
یادداشت	حکیمی راد، الهام، ۱۳۶۳، مترجم.
یادداشت	قربانزاده کیوانی، فرحناز، ۱۳۷۴، مترجم.
موضوع	روانشناسی کودک
موضوع	آموزش کودکان
موضوع	مهارت‌های اجتماعی کودکان.
رده بندی کنگره	۱۳۹۴ ۱۹۶ ۸ LB۱۱۴۰
رده بندی دیسی	۳۷۲/۲۱

نشر نور علم: تهران - انقلاب - پلاک ۲۵۹ - ط ۴ - واحد ۸ تلفن:

۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ noreelm@yahoo.com و ۰۲۱-۵۸۸۰۰۶۶۴۰۳۶۱۰

نام کتاب: آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان (داستان‌های اجتماعی برای

افزایش مهارت‌های ارتباطی، اجتماعی و خودمراقبتی کودکان)

مؤلف: جان لینگ

مترجمان: دکتر الهام حکیمی راد، فرحناز قربانزاده کیوانی

ناشر: نور علم

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۴

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۶۹-۱۹۱-۱

چاپ و صحافی: الغدير

قیمت: ۸۵۰۰ تومان

پایگاه اینترنتی: www.nooreelm.com

موبایل کار: در صورت عدم دسترسی به کتابهای این انتشارات، از طریق تماس با ۰۹۱۲۳۳۳۴۲۲۹ کتابها با پست به تمام نقاط ایران ارسال می شود.

فهرست

- ۷ چه به از این داستان‌ها استفاده کنیم؟
- ۸ داستان‌ها برای چه کودکانی مناسب هستند؟
- ۸ داستان‌ها برای چه سنی مناسب هستند؟
- ۸ اهدافتان را با یکدیگر نقد می‌کنید
- ۹ چه زمانی از داستان‌ها استفاده کنیم؟
- ۱۰ استفاده از جایزه و پاداش
- ۱۰ نوشتن داستان‌های خودتان
- ۱۲ چگونه آغاز کنیم؟
- ۱۳ مثبت کردن
- ۱۳ عمل کنید، حرف نزنید
- ۱۴ اگر داستان‌ها کارآمد نبود، چه کنیم؟
- ۱۵ خلاصه
- ۱۷ فصل ۱: عملکردهای جسمانی
- ۱۹ من مکیدن شستم رو دوست دارم
- ۲۰ من روی دیگران تف میندازم

- ۲۱..... من خیلی عطسه میکنم
- ۲۲..... من دوست دارم با بدنم صدا در بیاورم
- ۲۳..... من یک ماشین نوشتن هستم
- ۲۴..... چرا باید پرتقال بخوریم
- ۲۵..... چرا باید تمیز و مرتب باشم
- ۲۶..... من دوست دارم بدنمو بخارونم
- ۲۷..... وقتی من به دستشویی میرم (۱)
- ۲۸..... شستن با دست در آب
- ۲۹..... من دوست دارم در حالت احساس امنیت کنم
- ۳۰..... وقتی من به دستشویی میرم (۲)
- ۳۱..... من درباره دستشویی رفتن نگرانم
- ۳۳..... فصل ۲: مهارت های اجتماعی
- ۳۵..... من دوست دارم با ماشین به گردش برم
- ۳۶..... وقتی برای نهار صف میبندیم
- ۳۷..... چه اتفاقی میفته وقتی در صف میایستیم
- ۳۸..... من میدونم چجوری بشینم و باشم
- ۳۹..... من میخوام با یکی بازی کنم
- ۴۰..... من میتونم چندتا دوست داشته باشم
- ۴۱..... دوست پیدا کردن
- ۴۲..... وقت بازی
- ۴۳..... من دوست دارم نزدیک بشینم

- ۴۴..... من میتونم غذاهای مختلفی انتخاب کنم
- ۴۵..... من توی حرف بقیه میپریم
- ۴۶..... من جواب سؤالها رو بلند میگم
- ۴۷..... هیچکس وسایل منو برنمیداره
- ۴۸..... وقتی من دیگران رو ملاقات میکنم
- ۴۹..... وقتی لازم یا خداحافظی میکنم
- ۵۰..... من دوست دارم به کلاس دوستانم سرک بکشم
- ۵۱..... من چیرایی بر میدارم به مال من نیست
- ۵۲..... چرا بقیه منو سببی میکنند
- ۵۳..... من دوست دارم همیشه باه وس بازی کنم
- ۵۴..... در آوردن لباسام
- ۵۵..... تقسیم کردن اسباب بازیها
- ۵۶..... من دوست دارم وسایل رو یرت کنم
- ۵۷..... من میخوام کارها رو به روش خودم انجام بدم
- ۵۸..... وقتی من از مدرسه به خونه میرم
- ۵۹..... من از اون معلم خوشم نمیاد
- ۶۰..... من بعضی وقتا خیلی نزدیک میشینم
- ۶۱..... لمس خوب و لمس بد
- ۶۳..... دلم برای بابا بزرگم تنگ شده
- ۶۵..... فصل ۳: مدیریت خشم
- ۶۷..... من نیاز به استراحت دارم

- ۶۸..... بعضی وقتا به من تذکر داده میشه
- ۶۹..... فحش دادن
- ۶۹..... وقتی اشتباه میکنم عصبانی میشم
- ۷۰..... چرا ما چراغ راهنمایی داریم
- ۷۲..... وقتی نمیخوام کاری رو انجام بدم عصبانی میشم
- ۷۳..... وقتی چراغها خاموش میشه
- ۷۴..... وقتی بهم تذکر میدن، عصبانی میشم
- ۷۵..... وقت بازی نیس
- ۷۶..... وقتی میبازم عیان میشم
- ۷۷..... من از باختن متنفرم
- ۷۹..... فصل ۴: کار
- ۸۱..... من باید با دستیارهای مختلفی کار کنم
- ۸۲..... چرا دستیارها به من کمک میکنن
- ۸۳..... دستیار من به بقیه هم کمک میکنه
- ۸۴..... چه اتفاقی میفته وقتی دستیارم نیست
- ۸۵..... چرا باید کار من با بقیه فرق داشته باشه
- ۸۶..... دوست ندارم بهم کمک کنن
- ۸۷..... من میتونم درخواست کمک کنم
- ۸۸..... من نمیتونم انجامش بدم
- ۸۹..... من دوست ندارم کارهای متفاوتی انجام بدم
- ۹۰..... من دوست دارم کارم رو تموم کنم

- ۹۱..... تنهایی کار کردن
- ۹۲..... وقتی چیزی رو نمیفهمم، نگران می‌شم
- ۹۳..... من درباره امتحانات نگرانم
- ۹۴..... من نمی‌خواهم دست از کار کردن بکشم
- ۹۵..... من دوست دارم کارم رو قایم کنم
- ۹۶..... معلمم، والهای زیادی می‌پرسه
- ۹۷..... من دوست دارم نقاشی بکشم
- ۹۸..... من بعضی وقتا دارم و درست ندارم
- ۹۹..... چرا باید تکالیف رسه بر روی خونه انجام بدم
- ۱۰۰..... چرا باید کارم رو توی خونه تموم کنم
- ۱۰۱..... چه کسی به من در انجام تکالیف نه کمک میکنه
- ۱۰۲.....
- ۱۰۳..... فصل ۵: بازی و ورزش
- ۱۰۴..... من باید تناسب اندام بیشتری داشته باشم
- ۱۰۵..... چرا ما نرمش میکنیم
- ۱۰۶..... ورزش برش طول
- ۱۰۷..... من می‌خواهم توپ رو ببرم
- ۱۰۸.....

چگونه از این داستان‌ها استفاده کنیم؟

داستان‌های این کتاب برای کمک به کودکان، به ویژه کودکان دارای اختلال اتیسم نوشته شده است. بعضی از این داستان‌ها برای کمک به کودک است و برخی دیگر برای کمک به والدین، معلم‌ها و دستیاران. من امیدوارم که این کتاب به‌طور مؤثری مورد استفاده کارکنان مدارس و والدین مراقب قرار بگیرد. ممکن است شما داستان‌های خاصی را که با شرایطتان همخوانی دارد، کپی کنید، اما من امیدوارم شما از این داستان‌ها به عنوان یک الگو یا یک نقطه شروع برای خودتان استفاده کنید، چون هریک از آنها باید مناسب فرزندتان شود.

کارول گری در کتاب خود با نام «داستان‌های جامعه جدید» بیان می‌کند که کودکان اتیستیک نوعی «سردرگمی اجتماعی» را تجربه می‌کنند. ممکن است کودکان رفتاری را نشان دهند که به نظر می‌رسد بدون دلیلی خاص و یا بدون هیچ پیش زمینه‌ای به وجود آمده است.

کتاب حاضر تحت عنوان «آموزش مهارت‌های اجتماعی به کودکان» این سردرگمی اجتماعی را با درخواست از والدین و متخصصین برای در نظر گرفتن یک موقعیت از دید کودک و بزرگسال دارای اختلال اتیسم نشان می‌دهد.

داستان‌ها برای چه کودکانی مناسب هستند؟

این داستان‌ها می‌توانند برای تمامی کودکان مناسب باشند، برای مثال: کودکان دارای تأخیر در رشد زبانی، کودکان دارای پیش زمینه خانوادگی ناکارآمد، کودکان دارای اعتماد به نفس پایین و کودکانی (به‌ویژه پسرها) که به محض ناکام شدن بسیار پرخاشگر و عصبانی می‌شوند. هنگامی که من داستان «وقتی بهم تذکر میدن، عصبانی میشم» را برای یک پسر بچه هشت ساله، مادرش گفت: «فکر کنم باید اینو برای پدرش هم امتحان کنم!»

داستان‌ها برای چه رده سنی مناسب هستند؟

داستان‌ها برای رده سنی بین ۵ تا ۱۳ سال نوشته شده است. البته برای من سخت بود که داستان‌ها را به‌طور مناسبی بر اساس رده سنی دسته‌بندی کنم، چون بسیاری از رفتارهای کودکان بزرگ‌تر شبیه یک کودک کم سن و سال است. کودکان از لحاظ رشد و بلوغ بسیار متفاوت‌اند و ممکن است در برخی جنبه‌های زندگی به بلوغ برسند و در برخی دیگر نه. به همین دلیل فکر می‌کنم بهتر است بیشتر به راهنمای موضوعات تکیه کنیم.

داستان‌های مختلفی درباره یک موضوع مشابه وجود دارد (مثلاً آموزش توالی رفتن). من مطمئنم که خوانندگان قادرند تصمیم بگیرند که کدام داستان برای فرزندشان مناسب‌تر است.

اهدافتان را با یکدیگر تقسیم کنید

این داستان‌ها اگر توسط فرزندتان «شخصی‌سازی» شوند عملی‌تر خواهند بود. شما ممکن است از الگوهای کتاب استفاده کنید، اما بهتر است شما و فرزندتان باهم روی مطالب توافق کنید و حتی باهم بنویسید.

اگر والدین و مراقبین از اهداف معلمین اطلاع داشته باشند، می‌توانند با انجام دادن همان مطالب در منزل، کمک کننده باشند. چنانچه معلمان از این داستان‌ها استفاده کنند باید مطمئن شوند که والدین نیز یک نسخه از داستان را دارند. این کمک می‌کند که کودک احساس کند کارکنان مدرسه و والدین با یکدیگر همکاری دارند. گاهی لازم است هم‌کلاسی‌های کودک و یا اعضای فامیل بدانند که فرزندان سعی می‌کند چه چیزی را به دست آورد. آن‌ها می‌توانند در یادآوری اهداف و تقویت رفتارهای مناسب، کمک کننده باشند.

داستان شما باید باید و قابل دستیابی باشد. استفاده از زبان مناسب ویژه کودک، می‌تواند بسیار مفید باشد. داستان نباید مثل یک معلم به کودک بگوید چه کار کند، بلکه این کودک است که به خودش می‌گوید چه کاری را باید انجام دهد. لازم نیست داستان‌ها همیشه درباره چیزهای منفی باشند که شما قصد تغییر رفتار آن‌ها را دارید؛ بلکه می‌توانید داستان‌هایی برای تشویق نکات مثبت نیز بنویسید.

چه زمانی از داستان‌ها استفاده کنیم؟

داستان‌ها را به بخشی از امور روزمره خود تبدیل کنید. آن‌ها را دقیقاً پیش از شروع هر فعالیت برای فرزندان بخوانید. برای مثال اگر داستان درباره «دست بلند کردن و پاسخ سؤال‌ها را گفتن» است، آن را دقیقاً قبل از آغاز آن فعالیت بخوانید. اگر یک رفتار قبلاً اتفاق افتاده، کودک را به یک جای خلوت برده و داستان را دوباره بخوانید. سپس به آن فعالیت برگردید و دوباره امتحان کنید.

هر داستان را به همراه وسایل مهم مانند عکس‌ها، جوایز و... در یک پوشه قرار دهید. بنابراین کودک می‌تواند هرازگاهی به آنها نگاه کند و رفتارش تقویت شود. وقتی رفتار موردنظر کسب شد، استفاده از داستان را متوقف کنید ولی آن را در پوشه نگه دارید. به این ترتیب می‌توانید گاهی اوقات از آن به عنوان یک یادآور استفاده کنید. ممکن است شما علاقه‌مند به اصلاح داستان باشید، در این صورت متن آن را به زبان گذشته بنویسید.

استفاده از جایزه و پاداش

وقتی کودک رفتار مناسب را کسب کرد، آن را با یک جایزه کوچک و یا تشویق از سمت مادر و دیگر بچه‌ها جشن بگیرید. پاداش را پیش از شروع فعالیت معین کنید، در این صورت کودک می‌داند برای چه چیزی تلاش کند. این نکته خیلی مهم است که شما قبل از شروع، بدانید چه جایزه‌ای برای کودک جذابیت دارد. برخی از کودکان به برچسب و صورتک‌های خندان پاسخ می‌دهند و برخی دوست دارند زمان بیشتری برای انجام فعالیت مورد علاقه‌شان دریافت کنند (به عنوان اضافه برای بازی یارانه‌ای در پایان روز).

نوشتن داستان‌های خودتان

من یک دوست اتیستیک ۲۲ ساله دارم که معمولاً یکشنبه‌ها، میان کوتاهی را با ما می‌گذراند. او عادت داشت شنبه شب‌ها ساعت ۳:۳۰ بامداد من تماس بگیرد و بپرسد که آیا فردا به جلسه می‌روم یا خیر! او همیشه در زمان‌های نامناسبی تماس می‌گرفت، مثلاً بین زمان غذا. من یک توافق‌نامه برای او نوشتم و در آن توضیح دادم که افراد در زمان‌های مختلف روز چه کارهایی

انجام می‌دهند؛ که شامل زمان‌های مناسب برای تماس گرفتن با دیگران و درخواست کمک از آنها می‌شد. از زمانی که ما روی این مطالب توافق کردیم، او هرگز در زمان‌های نامناسب با من تماس نگرفت، چون پیش از این کار به لیستش و ساعتش نگاه می‌کرد.

آن یک ابزار ساده بود. من نامش را داستان نگذاشتم، اما بسیار کارآمد بود. آن یک ابزار دیداری برای کمک به برطرف کردن درک ضعیف او از زمان بود. و روش ترجیحی یادگیری او بود. این یک مثال از عادت است که با آسانی توسط این روش کنترل شد.

یکی از داستان‌های اولیه، از درخواست یک مدرسه برای کمک به پسر بچه‌ای شروع شد که ذهنش دائم مشغول دختر همکلاسی‌اش بود. آنتون در جمع صحنه‌های دست بالای سر آن دختر می‌نشست و او را دور اتاق و در زمین بازی پبال می‌کرد. ما کنار هم نشستیم و دسته‌ای از دایره‌ها و مربع‌ها را کشیدیم. نشان‌دهنده ایده‌ی فضای بدن بود. آن پسر بچه خودش، دوستش، مادر و پدرش را داخل فضاها نقاشی کرد. نشان دادن اینکه چگونه فضای بدن می‌تواند با اشغال دیگر همپوشی پیدا کند، کار آسانی بود. همراه با مقدار کمی متن، به نظر رسید که او می‌فهمد نیاز به انجام چه چیزی است. با اضافه کردن لباس مخصوص خودش روی فرش، ترسیم مرزهایی در زمین بازی و تکرار منظم این داستان مشکل بعد از چند هفته حل شد.

برخی از عادات بسیار شرم‌آورند و معلم‌ها برای مقابله با آنها بی‌معرضه هستند. یک دستیار پشتیبان که هر روز برای انجام بخشی از کارها کنار کِلِر ۱۱ ساله می‌نشست، یواشکی به من گفت که او جلوی بچه‌های دیگر به بدن خود دست می‌زند. هیچ‌کسی نمی‌خواست این موضوع را مطرح کند. بنابراین

من نوشتم: «من دوست دارم بدنم رو بخارونم». زمانی که داشتم به صورت خصوصی با کِلِر حرف می‌زدم، این داستان را برایش نوشتم، او آن را در سکوت خواند. من گفتم: باشه؟ و او با سرش تأیید کرد. تا جایی که میدانم، او دیگر آن کار را انجام نداد.

هرکسی می‌تواند این کار را انجام دهد، نیازی به جذبه معنوی یا فرمول خاصی نیست. این رویکرد شخص من در نوشتن داستان‌هاست. اگر یک کودک رفتار تکراری نشان می‌دهد که به نظر نمی‌رسد بتواند به خوبی در دردتش توضیح دهد، ممکن است به این دلیل باشد که نیاز دارد بیشتر از آنکه در موردش بشنود، آن را ببیند. کودک همچنین نیاز به یک راه‌حل مثبت برای رفتارش دارد، راه‌حلی که بتواند طی مدت زمان کوتاهی تمرین شود تا رفتار قبلی تغییر کند. اگر این روش با چند پاداش مثبت همراه شود، بهتر است.

چگونه آغاز کنیم؟

من قصد ندارم نوشتن چنین داستان‌هایی را فرمول‌بندی کنم. همان‌طور که گفتم، هرکسی می‌تواند این کار را انجام دهد. از لیست زیر به عنوان یک راهنما بهره ببرید:

- کودک چه کاری انجام می‌دهد؟
- چه زمانی آن کار را انجام می‌دهد؟
- چه چیزی باعث انجام این عمل می‌شود؟
- چه نتیجه‌ای حاصل می‌شود؟ چه کسی ناراحت است؟
- آیا قانونی در خانه یا مدرسه درباره‌اش وجود دارد؟
- شما می‌خواهید چه اتفاقی بیفتد؟

- برای اینکه آن چیز اتفاق بیفتد، کودکان چه کاری باید انجام دهد؟
- در عوض، چه نتیجه‌ای به دست خواهد آمد؟
- چه کسی سود خواهد برد؟

مثبت کردن

شما توجه خواهید شد که در بعضی از داستان‌ها نکته منفی وجود ندارد. هیچ حرفی از نبایدها و ناتوانی‌ها گفته نمی‌شود. اما تعداد زیادی «انجام می‌دهیم»، «می‌توانیم» و «تلاش می‌کنم» وجود دارد و همیشه در پایان، یک راه حل مثبت بیان می‌شود. با کار کردن بر نتایج مثبت، کاهش و حتی حذف رفتار نامطلوب ممکن خواهد شد.

زبان داستان همیشه ساده، واقعی، کودکانه و گاهی صریح و بی‌پرده می‌باشد. من معمولاً فضاهایی را برای نوشتن یا نقاشی خود کودک در نظر می‌گیرم. شما می‌توانید از عکس‌ها، نقاشی‌ها، پاکت‌های غذا و هر چیزی که فکر می‌کنید با موضوع مرتبط است، استفاده کنید. فهرست‌هایی وجود دارد مانند «وقتی من به دستشویی میرم» یا «مسر، خوب و لمس بد». اینها کارهایی هستند که باید طبق دستور منادب انجام شوند. یا داستان‌هایی که راه حل‌های خوب و بدی را مطرح می‌کنند مانند «من دوست دارم وسایل رو پرت کنم».

عمل کنید، حرف نزنید

این داستان‌ها به دلیل دیداری بودنشان، کارآمد هستند. معلم‌ها و والدین گاهی می‌گویند: «من همیشه بهش میگم، ولی هیچ فرقی نمی‌کنه». یک معلم عادت داشت ۲۵ دقیقه بی وقفه صحبت کند. او گزارش داد که بچه‌ها

«تمرکز ندارند!» اما ما می‌دانیم که داستان‌ها به این روش ارائه می‌شوند تا تغییر ایجاد کنند؛ چون بسیاری از کودکان و یا بزرگسالان، «یادگیرنده‌های دیداری و جنبشی» هستند. به این معنا که اگر آنها ببینند یا انجام دهند، بهتر یاد می‌گیرند، نسبت به زمانی که فقط بشنوند. خودتان آن را امتحان کنید. اگر می‌توانید نقاشی بکشید، از تصاویر استفاده کنید و یا عکس‌هایی را از اینترنت پیدا کنید. بعضی از داستان‌ها دارای فضای خالی برای نقاشی هستند. بعضی از آنها به راحتی فهرست شده‌اند مانند «لمس خوب و لمس بد» که یکی از پرکاربردترین و موفق‌ترین ابزارهاست.

اگر داستان کتاب آمد نبود، چه کنیم؟

هدف این کتاب، کمک به شما برای نوشتن داستان‌های خودتان است. من امیدوارم که شما تا جایی که ممکن است کارهای جالب انجام دهید! اگر داستان‌ها در طول دو هفته خوب نداد، احتمالاً باید از روش دیگری بهره ببرید. داستان‌ها فقط یکی از راه‌های تغییر رفتار هستند. برای مثال ممکن است رفتار توسط اعمال کودکان دیگر ایجاد شده باشد. بعضی اوقات من فکر می‌کنم که این کودکان و بزرگسالان اطراف کودک هستند که باید رفتارشان را تغییر دهند. اگر مشوق به همان شکل باقی بماند، بسیار دشوار می‌توان رفتار کودک را تغییر داد؛ بنابراین سهم شدن داستان‌ها با دیگر کودکان و یا صحبت کردن درباره آنها با معلمان و دست‌رها می‌تواند به حذف رفتار نامناسب کمک کند. برخی کودکان در چرخه‌های خوب یک رفتار گرفتار شده‌اند و شکستن آن آسان نیست. ممکن است نیاز باشد که جای کودک در کلاس عوض شود و یا حتی به کلاس دیگری منتقل شود.

داستان‌های زیادی درباره خشم وجود دارد. همچنین روش‌های دیگری درباره مدیریت خشم وجود دارد. مدرسه‌ای از یک «خشم سنج» استفاده می‌کرد که شامل یک نوار مقوایی بود که روی آن چهار ماریچ از کوچک تا بزرگ قرار داشت. شماره یک یعنی «من آروم»، شماره چهار یعنی «من در حال انفجارم!». معلم سؤال می‌کند که شماره خشم هر دانش‌آموز چند است. اگر شماره‌ی کسی دو باشد، نیاز دارد کمی آرام‌تر شود. اگر شماره‌ی کسی سه باشد، به او اجازه داده می‌شود تا به محل آرام‌سازی بیرون از کلاس برود تا احساس بهتری پیدا کند.

سبب عادت داشت رهای یکی از دختران همکلاسی و دستیارش را نوازش کند. آنها فکر می‌کردند که این یک عادت ساده و جالب است، پس متوقفش نمی‌کردند. اما وقتی متوجه شدند که این یک رفتار وسواسی ناسالم است، بچه‌ها و دارکنان این گرفتند که بگویند «دستا پایین!» و دست او را با روشی دوستانه از روی می‌کردند. در عوض به او یک خز داده شد تا آن را نوازش کند. این کار با یک داستان درباره نوازش کردن مو ترکیب شد.

خلاصه

بهترین داستان‌ها آنهایی هستند که توسط شما و کودک نوشته می‌شوند. از این داستان‌ها تنها به عنوان یک الگو استفاده کنید. خوب است که درباره یک داستان مناسب با کودک بحث کنید تا به او در نوشتن کمک شود.

انجام بدهید:

- ✓ اغلب از داستان‌ها استفاده کنید.
- ✓ داستان‌ها را مثبت کنید.

- ✓ از پاداش بهره ببرید.
- ✓ از ادبیات کودکانه استفاده کنید.
- ✓ داستان‌ها را دیداری کنید.
- ✓ به دنبال نتیجه مثبت باشید.
- ✓ با والدین و مراقبین مشارکت کنید.

پرهیز کنید از:

- ✗ مطالب منفی
- ✗ ایهام و استعاره در کلام
- ✗ ادبیات بزرگسالان

www.ketaboo.ir